



نکته ۲:

۱. مرحوم سید در عروة تصریح دارد که شهادت عدلین در صورتی حجت است که «إذا لم تكن معارضة بشهادة آخرين من أهل الخبرة»^۱
۲. عدم حجیت شهادت عدلین در فرض تعارض را می‌توان از دو جهت اثبات کرد.
۳. نخست آنکه، گفته‌ایم ملاک حجیت وثوق نوعی است و طبعاً با تعارض، چنین وثوقی زائل می‌شود.
۴. اما دلیل دوم، مبنای مرحوم خوبی است (که سابقاً به آن اشاره کرده بودیم).
«لأن أدلة الاعتبار غير شاملة للمتعارضين، فإن شمولها لهما معاً يستلزم الجمع بين الضدين أو التقيضين، و شمولها لأحدهما دون الآخر بلا مرجح، و هذا معنى ما يقال: إذا تعارضا تساقطا، فلا يتصف شيء منهما بالحجية و الاعتبار»^۲

نکته ۳:

درباره حجیت خبر واحد در موضوعات، چنانکه گفتیم ۲ قول مطرح بود. قول اول حجیت و قول دوم عدم حجیت بود. ما در کنار این دو قول به تفصیلی خاص قائل شدیم.

اگر کسی اشکال کند که این تفصیل، خرق اجماع مرکب است، می‌توان در مقام پاسخ اولاً به عدم حجیت چنین اجماعی، به نحو مطلق، اشاره کرد. (که در جای خود مطرح کرده‌ایم.) و ثانیاً به این نکته اشاره کرد که مرحوم حکیم پیش از این «احتمال قول ثالث» (البته غیر از آنچه ما گفته‌ایم) را داده است و لذا «اجماع در دو قول» توسط ایشان خرق شده است.

مرحوم حکیم می‌فرماید که خبر واحد گاهی بیان کننده حکم کلی است (مثل اینکه خبر واحد می‌گوید «الدم نجس») و گاهی بیان کننده موضوع است (مثل اینکه خبر واحد می‌گوید که این خون است).

اما آنچه در بیان موضوعات است، گاه در بیان موضوع حکم کلی است (مثل این خون است) و گاه در مسیر فهم حکم کلی است.

برای نوع اخیر چند مثال می‌توان مطرح کرد:

یک) وقتی نجاشی شهادت می‌دهد که زراره ثقه است، این شهادت، یک خبر واحد در موضوع است (عدالت زراره) ولی این شهادت واحده در مسیر فهم حکم کلی است. (زراره گفته است که امام گفته است: «خون نجس است» / زراره ثقه است / نقل ثقه از امام حجت است.)

^۱ . العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۴، مسئله ۲۰

^۲ . التنقیح، ج ۱، ص ۱۷۵



دو) وقتی ابن فارس (لغوی) می‌گوید دم یعنی خون، این شهادت یک خبر واحد در موضوع است (معنای لغت) ولی این شهادت واحد در مسیر فهم حکم کلی است. (لغوی گفته است که دم یعنی خون / امام (ع) گفته است دم نجس است / پس: خون نجس است.)

سه) وقتی زراره می‌گوید که امام (ع) گفته است که خون نجس است. این شهادت واحده، موضوع برای حجیت خبر واحد درست می‌کند. (حکم کلی: خبر واحد حجت است / موضوع: خبر زراره خبر واحد است) ولی همین شهادت واحده که در موضوع است، در مسیر فهم حکم کلی (نجاست خون) است.

[این همان مطلبی است که به عنوان دلیل دوم در ادله حجیت خبر واحد مطرح کردیم.]

چهار) وقتی یک تفه می‌گوید که «زید مجتهد است»، این یک شهادت واحده در موضوع است ولی در مسیر فهم حکم کلی است. (زید مجتهد است / پس آنچه زید می‌گوید حکم الهی است.)

حال:

مرحوم حکیم می‌گوید ادله حجیت خبر واحد در احکام، این دسته از خبرهای واحد در موضوعات را هم حجت می‌کند. (اما سایر خبرهای واحد که درباره موضوعات احکام مطرح است و ربطی به «مسیر فهم احکام» ندارد، را حجت نمی‌کند.)

«ربما يقال بثبوته بخبر الثقة، لعموم ما دل على حجيته في الأحكام الكلية، إذ المراد منه ما يؤدي إلى الحكم الكلي، سواء كان بمدلوله المطابق أم اللتزامي، و المقام من الثاني، فإن مدلول الخبر المطابق هو وجود الاجتهاد، و هو من هذه الجهة يكون إخباراً عن الموضوع، لكن مدلوله اللتزامي هو ثبوت الحكم الواقعي الكلي الذي يؤدي إليه نظر المجتهد. و على هذا المبني يكفي توثيق رجال السند بخبر الثقة. و كذا في إثبات المعنى بأخبار اللغوى الثقة، كما حررنا ذلك في مبحث حجية قول اللغوى.»^۱

۱. مستمسک العروة، ج ۱، ص ۳۷